

پیشینه مردم سالاری در غرب و ایران

دکتر علی کربلایی پازوکی
استاد یار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

چکیده:

دموکراسی در معنای جدید آن متأثر از عوامل و پیش زمینه‌های دینی، اجتماعی، فکری و تاریخی معاصر دنیای غرب است که همخوانی اندکی با تجربه دموکراسی در یونان باستان دارد. در نگرش جدید، دموکراسی محدود به شرکت شهروندان در اداره عمومی نمی شود بلکه بر آزادی‌های فردی، تساوی حقوق شهروندی، حاکمیت اکثریت، چرخش مسالمت آمیز قدرت، حق نظارت عمومی و کثرت‌گرایی و تساهل به عنوان مولفه‌های اصلی دموکراسی تاکید می‌شود. در ایران اسلامی نیز در دو قرن اخیر جنبش‌های اصلاحی و دموکراسی خواهانه بوسیله علمای دینی و روشنفکران مسلمان شکل گرفت که به صورت مشخص در نهضت عدالت‌خانه، جنبش مشروطیت و انقلاب اسلامی ظهور و بروز آن را می‌توان مشاهده کرد. این نوشتار به اختصار در صدد بررسی سیر تحولات دینی، اجتماعی، فکری و تاریخی است که منجر به حکومت دموکراسی در معنای جدید آن در دنیای غرب و مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی گردید.

کلید واژه: دموکراسی، دین، نهضت اصلاح دینی، مردم سالاری دینی.

مقدمه:

واژه دموکراسی که ریشه یونانی دارد و از آن به حکومت مردم تعبیر می‌کنند در طول تاریخ پُر فراز و نشیب خود با تحولات مفهومی و شکلی فراوانی روبرو بوده است. ظاهراً اولین تجربه عملی دموکراسی کلاسیک را مردم آتن داشته‌اند که زمان آن به سده پنجم پیش از میلاد می‌رسد. بعد از شکست این شیوه در سال (۳۲۲ ق م) به وسیله فاتحان مقدونی تا اواخر قرن نوزدهم از حکومت دموکراسی در معنای جدید آن (دموکراسی مدرن) به صورت جدی خبری نبود.

برداشت یونانی از دموکراسی دست کم تا روزگار روسو و کتاب قرارداد اجتماعی او (۱۷۸۲ م) غالب بود حتی تا دهه‌های نخستین قرن بیستم حکومت دموکراسی هنوز سیر تکاملی خود را طی می‌کرد. دموکراسی در معنای نوین آن تنها محدود به شرکت شهروندان در اداره امور عمومی نمی‌شود. بلکه بر آزادی فردی، بیان، عقیده و اجتماعات، تساوی افراد در حقوق شهروندی و قانون، حاکمیت در قالب نظام نمایندگی، چرخش مسالمت آمیز قدرت بر اساس خواست اکثریت، حق نظارت عمومی و کثرت‌گرایی و مصالحه تاکید دارد. این مدل از دموکراسی که ریشه در تمدن معاصر دنیای غرب دارد، از پیش زمینه‌های دینی، اجتماعی، فکری و تاریخی خاصی برخوردار است. از جمله آنها جنبش دین‌پرایی (رفرماسیون Re Formation) در قرن شانزدهم است که بر فردگرایی، تساهل دینی و آزادی تاکید داشت. رشد سریع اندیشه‌های حقوق طبیعی فرد در برابر حق الهی در قرن هفدهم به وسیله گروسوس و پذیرش حق حاکمیت انسان‌ها در اروپا، ظهور متفکران قرن هیجدهم مانند توماس هانز، جان لاک، روسو، منتسکیو و پیدایش دو واقعه مهم تاریخی در نیمه دوم قرن هیجدهم یعنی انقلاب آمریکا و تدوین قانون اساسی ایالات متحده در بین سال‌های (۱۷۸۷-۱۷۷۶ م) و انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ م) و صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند، مجموعاً در شکل‌گیری دموکراسی جدید غرب نقش اساسی را بر عهده داشتند. در ایران اسلامی نیز احیاء فقه اجتهادی، تمرکز قدرت مالی و معنوی شیعه در مجتهد اعلم، واکنش علماء در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی، حرکت‌های اصلاحی روشن‌فکران متعهد مانند سید جمال، امیر کبیر و نهضت فکری، سیاسی امام خمینی در سال (۱۳۴۰ ه.ش) از جمله عواملی است که در شکل‌گیری حکومت مردم‌سالار دینی نقش آفریدند.

با توجه به اقبال عمومی که امروزه نسبت به مسأله دموکراسی در جهان مشاهده می‌شود، بررسی زمینه‌های پیدایش چنین نگرشی می‌تواند در بازبایی معنای حقیقی و اهداف دموکراسی و بازشناسی انواع آن ما را یاری رساند.

در این نوشتار ابتدا به صورت فشرده با معنای دموکراسی و قرائت جدید از آن و رابطه آن با دین آشنا می‌شویم و در ادامه به عوامل پیدایش دموکراسی لیبرال در دنیای غرب می‌پردازیم و

در پایان زمینه‌های پیدایش مردم‌سالاری در ایران و نقش دین در تحقق آن را بررسی می‌کنیم.

۱- واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی:

به منظور آشنایی بهتر با سیر تاریخی مردم‌سالاری در غرب و ایران در ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی مردم‌سالاری انواع رابطه دین و دموکراسی بیان می‌شود.

۱-۱ معنای لغوی مردم‌سالاری:

واژه‌ی مردم‌سالاری که به‌تازگی وارد فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی گردیده از نظر لغوی دارای معنایی روشن است و آن را حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود ذکر کرده‌اند. معادل لاتین مردم‌سالاری «دموکراسی»^۱ و معادل یونانی آن «دموس کراتین»^۲ است.^۳

فرهنگ دهخدا «دموکراسی» را به لحاظ لغوی به حکومت عامه، معنا می‌کند.^۴ در فرهنگ لغت آکسفورد نیز همین معنا برای دموکراسی ذکر شده است.^۵ کتاب دانشنامه‌ی سیاسی نیز از دموکراسی به مردم‌سالاری تعبیر کرده است.^۶

آنتونی آربلاستر در مورد معنای دموکراسی می‌گوید: «برداشت رایج از معنای دموکراسی حکومت مردم و یا دست کم حکومت نمایندگان منتخب مردم است».^۷

آبراهام لینکلن نیز دموکراسی را «حکومت مردم به وسیله‌ی مردم و برای مردم می‌داند».^۸

۱-۲ معنای اصطلاحی مردم‌سالاری:

مردم‌سالاری در حوزه‌ی امور سیاسی و اجتماعی، اشاره به حقی دارد که شهروندان یک کشور برای مشارکت آزادانه در سرنوشت سیاسی و استفاده از فرصت‌های مساوی در اداره‌ی امور اجتماعی از آن برخوردارند. براساس این نظریه مردم در اداره‌ی امور جامعه، عزل و نصب حاکمان، نظارت بر حکومت، ذی‌حق و توانا هستند و رأی اکثریت، مظهر اراده‌ی عمومی است و همه‌ی مردم در برابر قانون برابرند. آزادی عقیده، بیان، اندیشه، ادیان، مطبوعات، احزاب و تأکید بر استقلال فردی را از ویژگی‌های نظام مردم‌سالار بیان کرده‌اند.

به دیگر سخن «دموکراسی» نظامی سیاسی و فلسفه‌ای اجتماعی است که بیش از هر نظام یا فلسفه‌ی دیگر گوناگونی عقاید را می‌پذیرد و در آن دست به دست شدن قدرت سیاسی از راه‌های مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و هدف آن تأمین حداقل رفاه برای همگان است.^۹

فرهنگ علوم سیاسی «دموکراسی» را چنین تعریف می‌کند: «دموکراسی [یا] مردم‌سالاری از انواع حکومت است و وجه مشخصه‌ی آن اعلام رسمی تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد جامعه است. نظام حکومتی که در آن قدرت ناشی از ملت است»^{۱۰} امروزه میزان برخورداری انسان‌ها از دموکراسی سیاسی در پیوند با دموکراسی

اقتصادی توجیه می‌شود.

پس مردم‌سالاری در وسیع‌ترین معنای آن یعنی «شیوه‌ی زندگی جمعی یا جامعه‌ای که در آن به افراد حق داده می‌شود برای مشارکت آزادانه از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند». ۱۱
در مورد این که حقیقت دموکراسی چیست اختلاف نظرهای جدی وجود دارد؛ آنتونی آربلاستر می‌گوید: «در این باره که دموکراسی چیست، این اصطلاح چه معنایی دارد و چه معنایی داشته، تردیدهای فراوانی بر این شیوه‌ی خودپسندانه سایه افکنده است؛ زیرا دموکراسی بیش از آن که یک واقعیت باشد، یک مفهوم است؛ و چون یک مفهوم است، هیچ نوع معنای دقیق و مورد توافقی ندارد. دموکراسی معانی بسیار متفاوت و مفاهیم ضمنی متعددی در تاریخ طولانی خود داشته و امروز در بستر نظام‌های اجتماعی و اقتصادی گوناگون، به گونه‌های متفاوت درک می‌گردد. آنچه امروز در غرب دموکراسی نامیده می‌شود، کسانی را که برداشت‌های متفاوتی از آن دارند، چه در گذشته و چه در حال، قانع نمی‌کند». ۱۲

اگر دموکراسی را به اختصار به معنای مشارکت (فعال) مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود تعریف کنیم، خود این مشارکت یک معنای سیال است و دارای قرائت‌های مختلف، که تمام آن‌ها براساس نگرش‌های خاص به انسان و جهان و پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتقادی متفاوتی شکل می‌گیرد. «مجادله درباره‌ی معنای معاصر دموکراسی به پیدایش مدل‌های دموکراتیک بسیار متنوعی انجامیده...»؛ ۱۳ مثلاً مبنای فکری دموکراسی غربی لیبرالیسم است و از اصول آن آزادی، در معنای وسیع آن، مالکیت خصوصی، استقلال فردی و سکولاریزم است. این امور به عنوان خط قرمزهای این شیوه از دموکراسی می‌باشد که عدول از آن‌ها پذیرفتنی نیست. در مورد دموکراسی به عنوان یک روش حکومتی گفته‌اند:

«دموکراسی، حکومت جمعی است که در آن، اعضای اجتماع، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیماتی که به همه‌ی آن‌ها مربوط می‌شود، شرکت دارند یا می‌توانند شرکت داشته باشند». ۱۴
بنابراین لازم است بین دموکراسی به عنوان یک روش و شکل حکومت در اداره‌ی نظام‌های سیاسی با دموکراسی به عنوان یک هدف و فلسفه‌ی حکومت که مطلوبیت ذاتی دارد و موجب مشروعیت و حقانیت یافتن حکومت می‌گردد فرق قائل شد. دموکراسی به عنوان یک روش الگوهای متفاوتی را می‌پذیرد که بعضی دینی و بعضی غیردینی‌اند؛ اما به عنوان یک مکتب متأثر از اندیشه‌های لیبرالیسم با بعضی از مدل‌های دموکراسی مثلاً مردم‌سالاری دینی در بعضی زمینه‌ها در تعارض است.

۲- دین:

معنای لغوی دین: واژه‌ی «دین» (Religion) به معنای کیش، ملت، طریقت، شریعت است که در مقابل کفر قرار دارد. ۱۵ هم‌چنین به معنای راه، روش، آیین، ۱۶ پاداش، حساب، حکم و

اطاعت می‌باشد. «دیانت» را شریعت و مذهب نیز نامیده‌اند.

تعریف اصطلاحی دین: اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان تعاریف زیادی از دین ارائه داده‌اند؛ ۱۷ اما هریک به ساحت و بُعد خاصی از دین نظر داشته‌اند. اصولاً نگاه یا تعریف جامعی که بتواند تمام مصادیق ادیان را دربرگیرد، مشکل است؛ براین اساس، پاره‌ای از تعاریف به ابعاد اعتقادی، برخی به جنبه‌های معرفتی، بعضی به جنبه‌های احساسی و روانی، تعدادی به زوایای اجتماعی و نمونه‌هایی نیز به بینش شهودی دین پرداخته‌اند و بر آن اساس دین را تعریف نموده‌اند. در یک بیان کلی، در تعریف دین می‌توان چنین بیان داشت: دین عبارت است از تنظیم روش زندگی براساس یک اعتقاد. ۱۸

عمدتاً با دو نگرش و رویکرد به تعریف دین پرداخته‌اند: نگرش حداقلی، نگرش حداکثری

۱- نگرش حداقلی به دین: در این نگرش دین مجموعه‌ی معارفی است که درصدد تنظیم رابطه‌ی معنوی انسان با خدا و تأمین سعادت اخروی وی می‌باشد. در این دیدگاه، رسالت انبیا پرداختن به مسایل اخلاقی و معنوی، آبادانی سرای آخرت است نه دنیا؛ ۱۹ و دین نیز امری فردی و شخصی می‌باشد؛ نه اجتماعی و سیاسی. این نگرش که نگاهی سکولار به دین دارد عموماً به وسیله‌ی نظریه‌پردازان غربی و بعضی از گرایش‌های مسیحی تبلیغ می‌گردد.

۲- نگرش حداکثری به دین: «در این نگرش، دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات برای اداره‌ی امور جامعه‌ی انسانی و پرورش انسان‌ها است» ۲۰ که درصدد تأمین سعادت دنیا و آخرت آنهاست.

به بیان دیگر: «دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می‌کند و در عین حال با کمال و سعادت اخروی و زندگی دایمی و حقیقی، در جوار خدای متعال موافق است». ۲۱ در این دیدگاه دین پاسخ‌گوی مسائل و نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی بشر است؛ البته به شیوه‌ی بیان قوانین کلی و چارچوب‌های اساسی؛ نه به صورت بیان جزئیات و روش شناختی. دین اسلام و یهود از جمله ادیانی هستند که نگرش آنها به دین، نگرش حداکثری است.

۳- رابطه‌ی دموکراسی و دین: به منظور روشن شدن معنا و مفهوم مردم‌سالاری دینی، لازم است انواع رابطه‌ی دین و دموکراسی بررسی شود. به طور کلی سه نظریه در این مورد وجود دارد: ۲۲

اعتقاد به ناسازگاری دین با دموکراسی؛

اعتقاد به سازگاری دین با دموکراسی؛

نگاه تفصیلی.

نظریه‌ی اول: تناقض‌نما بودن مردم‌سالاری دینی

این نظریه اندیشه‌ی خدا سالاری را با مردم‌سالاری در تناقضی آشکار می‌بیند. صاحبان این نظریه در مفهوم دموکراسی یک معنای سلبی قرار داده‌اند و دموکراسی را این‌گونه بیان کرده‌اند: آرای مردمی که متکی به دین نباشد.

با توجه به این معنا از دموکراسی، نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی یک تز تناقض آمیز و ناسازگار است؛ زیرا مبنا در جامعه‌ی دینی حاکمیت الهی و قوانین تشریحی خداوند است؛ اما در جامعه‌ی مدنی و مبتنی بر دموکراسی حاکمیت از آن اکثریت شهروندان است و جامعه براساس اراده و خواست آنان در زمینه‌های مختلف شکل می‌گیرد. بر این اساس اگر در کشوری انتخابات مردمی انجام بگیرد و مردم با درصد بالایی رأی بدهند که دین یا ارزش‌های دینی حاکم باشد، حکومت دموکراتیک نیست!

نظریه‌ی دوم: سازگاری دین با دموکراسی

صاحبان این نظریه معتقد به سازگاری دین با دموکراسی می‌باشند؛ اینان برای تأیید نظریه‌ی خود به مسئله‌ی شورا و بیعت در اندیشه‌ی اسلامی اشاره داشته‌اند.

مرحوم آیت‌الله نائینی در مورد آیه‌ی «و شاورهم فی الامر» (شوری: ۳۸) می‌گوید: «الامر (در آیه) مفرد مَحَلِّی به الف و لام، مفید عموم اطلاق است یعنی متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره کلیه‌ی امور سیاسیه است و خروج احکام الهیه از این امور از باب تخصص است.» ۲۳ در تأیید این دیدگاه یکی دیگر از متفکران مسلمان می‌گوید:

هر دموکراسی از متن و بطن شرایط و پیشینه‌ی تاریخی خاصی برآمده است؛ از این رو در برخی از جوامع مثل جهان اسلام، مشارکت مردم در حکومت همواره از طرق و مجاری بالاحص اسلامی صورت پذیرفته است... که مشارکت مردم و گروه‌های گوناگون اجتماعی را در جریانات اعمال سلطه‌ی سیاسی به نحوی قاطع تأمین کرده است. ۲۴

امام خمینی در مصاحبه با پروفیسور حامد الگار، اندیشمند مسلمان آمریکایی ۲۵ در توضیح علت عدم استفاده از واژه‌ی «دموکراتیک» در عنوان جمهوری اسلامی می‌گویند:

«برای این که این اهانت به اسلام است؛ مثل این که بگویند جمهوری اسلامی عدالتی؛ این توهین به اسلام است؛ برای این که عدالت متن اسلام است.» ۲۶

بر این اساسی مردم‌سالاری دینی، امری بسیط است نه مرکب از دو واژه‌ی مردم و دین؛ یعنی در متن دین، سالار بودن مردم نهادینه شده است.

نظریه‌ی سوم: سازگاری مشروط

اگر دموکراسی را به حکومت براساس خواست اکثریت مردم تعبیر کنیم و به آن به عنوان یک روش و ساختار پذیرفته شده در اکثر نظام‌های سیاسی امروز بنگریم، و آن را همواره با آموزه‌های لیبرال دموکراسی به عنوان هدف و غایت یکی تلقی نکنیم، منافاتی بین «دموکراسی

و دین» و به طور خاص دین اسلام با دموکراسی وجود نخواهد داشت. استاد شهید، مرتضی مطهری در مورد سازگاری مشروط اسلام با دموکراسی می‌نویسد: «منشأ اشتباه آنان که اسلامی بودن جمهوری را منافی با روح دموکراسی می‌دانند، ناشی از این است که دموکراسی مورد قبول آنان هنوز دموکراسی قرن هجدهم است که در آن حقوق انسان در مسایل مربوط به معیشت و خوراک و مسکن و پوشاک و آزادی در انتخاب راه، به معیشت مادی خلاصه می‌شود؛ اما این که مکتب و عقیده و وابستگی به یک ایمان هم جزء حقوق انسانی است و این که اوج انسانیت در وارستگی از غریزه و از تبعیت محیط طبیعی و اجتماعی و در وابستگی به عقیده و ایمان و آرمان است، به کلی فراموش شده است.» ۲۷.

در این نظریه رأی مردم و نظر نخبگان در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و شیوه‌های اجرای احکام دینی و موضوعات و حوزه‌هایی که شریعت ساکت است (منطقه‌الفراغ) و در انتخاب مسئولان و شوراها، زمینه‌های وسیعی برای قانون‌گذاری و مشورت و رقابت مردمی وجود دارد. ۲۸. مردم در نظام مردم‌سالار دینی، مسئولان مملکتی را در سطوح مختلف برمی‌گزینند و از بین چندین نفر واجد شرایط رهبری رأی مردم (به شکل غیرمستقیم) یکی را تعیین می‌کند و این، خود ایجاد نوعی مشروعیت برای رأی مردم در انتخاب بالاترین مقام کشوری است. مسئولان نیز در چهارچوب‌های دینی مورد علاقه و خواست مردم، به قانون‌گذاری می‌پردازند.

بنابراین نظریه‌ی سوم در مورد رابطه‌ی دموکراسی با دین به نظریه‌ی سازگاری مشروط قایل است.

نباید تصور کرد که محدود کردن اراده و خواست مردم به چهارچوب‌های مذهبی و هنجاری و ارزشی، عدول از دموکراسی و مردم‌سالاری است؛ زیرا که این امر براساس خواست مردم تحقق یافته است. نظریه‌ی لیبرالیسم نیز دموکراسی را مشروط و مقید به آموزه‌ها و ارزش‌های خاص خود می‌کند. سوسیال دموکراسی نیز نظریه‌ی آزادی فردی لیبرالیسم را در زمینه‌ی مالکیت فردی و جمع‌آوری ثروت نپذیرفته، بلکه دخالت دولت را در چرخه‌ی اقتصاد به سود طبقات محروم لازم می‌داند؛ حتی تسلط دولت بر وسایل تولید را از لوازم دموکراسی برشمرده است.

با توجه به مطالب بالا، دموکراسی را می‌توان یک مفهوم عام نوعی در نظر گرفت که دارای افرادی است که یکی از آن‌ها مردم‌سالاری دینی می‌باشد؛ بنابراین «دموکراسی دینی» از نظر ماهیت هیچ فرقی با سایر دموکراسی‌ها ندارد؛ تنها ویژگی و فصل‌میزه‌اش «دینی» بودن آن است؛ براین اساس رابطه‌ی دموکراسی و مردم‌سالاری دینی رابطه‌ی عام و خاص است.

به اختصار «مردم‌سالاری دینی» عبارت است از: حاکمیت یافتن اراده‌ی مردمی که چارچوب‌های مذهبی و هنجارهای ارزشی خاصی را آزادانه برای اعمال حاکمیت سیاسی خود پذیرفته‌اند که مهم‌ترین آموزه‌های آن، برابری افراد در نزد قانون، عدالت محوری در همه‌ی

امور، آزادی اندیشه و فکر، مذهب، احزاب، مطبوعات، مشارکت مردم در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، عقل‌گرایی، تربیت اخلاقی و توسعه‌ی فرهنگی جامعه، نظارت بر قدرت سیاسی و پاسخ‌گو بودن مسئولان به مردم و... است.

۴- پیشینه‌ی مردم‌سالاری در غرب

الف- زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فکری دموکراسی در دنیای غرب: روی‌دادها و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فکری فراوانی در پیدایش و تکامل دموکراسی در شکل جدید آن در قالب نظام پارلمانی ۳۰ نقش آفریده‌اند ۳۱ که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم.

۴-۱- زمینه‌های تاریخی:

ظاهراً اولین تجربه‌ی عملی مردم‌سالاری را مردم آتن داشته‌اند که زمان آن به سده‌ی پنجم پیش از میلاد می‌رسد. در آن‌جا شهروندان، به جز زنان و بردگان، در امر حکومت و امور سیاسی و اجتماعی و وضع قوانین مشارکت مستقیم داشته‌اند. شهروندان در میدان‌های عمومی نظیر آگورا ۳۲ یا فوروم ۳۳ گرد می‌آمدند و قوانین را تصویب و قوه‌ی اجرایی آن را در سطح مجریه و قضائیه برمی‌گزیدند. شیوه‌ی حکومت آتن بر مشارکت شهروندان، در تصمیم‌گیری‌ها به شکل مستقیم استوار بود. تا این‌که به سال (۳۲۲ ق.م) توسط فاتحان مقدونی این شیوه‌ی حکومتی سرنگون شد. ۳۴ از جمله نقاط تاریک دموکراسی آن دوران یونان، محاکمه و اعدام سقراط در سال (۳۹۹ ق.م) است ۳۵ که به دلیل مخالفت او با دموکراسی رایج آن زمان و اعتقاد به حکومت حکیمان صورت پذیرفت. بین مردم‌سالاری عصر جدید و دموکراسی یونان باستان فاصله‌ای حدود بیست قرن وجود دارد. با توجه به گسترش زندگی شهرنشینی و سر برآوردن آرمان‌های دموکراتیک در عصر جدید و پیدایش مفهوم نوینی از «مردم» و حقوق طبیعی آنان، دموکراسی باید از نو ساخته می‌شد. ۳۶ نگرش جدیدتر به دموکراسی از ویژگی‌های دوره‌ی مدرنیته ۳۷ و زاده‌ی اندیشه‌ی لیبرالیسم است که ریشه در رنسانس دارد.

ظهور استبداد دینی در سطحی وسیع، فقدان حاکمیت پاسخ‌گو، وجود تبعیض و فساد در نظام حکومتی کلیسا در قرون وسطی - که منجر به نهضت اصلاح دینی (رفورماسیون) به رهبری مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶م) و جان کالون (۱۵۶۴م) گردید- با توجه به تأکید پروتستانیسم بر فردگرایی، تساهل و آزادی- از جمله اولین زمینه‌های پیدایش اندیشه‌ی دموکراسی در دنیای جدید غرب است.

به صورت مشخص دموکراسی در معنای جدید آن- که تنها محدود به مشارکت شهروندان در امور عمومی نمی‌شد، بلکه در بستر آزادی‌های فردی و عمومی به جریان افتاده‌بود به قرن هفدهم میلادی می‌رسد. با گروسیوس (Grotius)، حقوقدان هلندی (۱۵۸۳-۱۶۴۵م) و اندیشه‌ی

حقوق طبیعی او با تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، پذیرش حق حاکمیت افراد به سرعت در اروپا گسترش یافت. او اعتقاد داشت که «حقوق طبیعی» قواعدی است که عقل آن‌ها را موافق طبیعت اجتماعی انسان می‌داند و این دسته از قواعد اگر خدایی هم نبود باز وجود داشت. ۳۸

با ظهور اندیشه‌های متفکران قرن هفدهم و هجدهم مانند توماس هابز (Thomas Hobbes) و انتشار کتاب معروف او به نام «لویاتان» ۳۹ و جان لاک، متفکر انگلیسی (۱۷۰۴-۱۶۳۲م) با کتاب «رساله‌ای در باب حکومت مدنی» و ژان ژاک روسو فرانسوی (۱۷۷۸-۱۸۱۲م) با کتاب «قرارداد اجتماعی» و منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م) با کتاب روح‌القوانین و دائرةالمعارف نویسانی چون دالامبر و دیدرو، زمینه‌های ظهور مردم‌سالاری در معنای جدید آن شکل گرفت. ۴۳

ظهور دو واقعه‌ی مهم تاریخی در قرن هجدهم پایه‌های مردم‌سالاری را در عصر جدید به گونه‌ی متقن و جهان‌شمول استوار ساخت؛ نخست تصویب قانون اساسی دولت فدرال آمریکای شمالی در سال (۱۷۸۷م) به وسیله‌ی کنوانسیون فیلادلفیا و دوم انقلاب کبیر فرانسه در سال (۱۷۸۹م) و صدور اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند و متعاقب آن تصویب قانون اساسی انقلابی (۱۷۹۱م) در کشور فرانسه.

۴-۲- زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی:

اندیشه‌های اساسی دموکراسی جدید ریشه در نهضت اجتماعی، فرهنگی و علمی دنیای غرب «رنسانس» ۴۱ دارد و یکی از آبشخورهای رنسانس، نگرش امانیستی ۴۲ به انسان است. براساس این دیدگاه علایق، خواسته‌ها و آزادی‌های انسان با تکیه بر علم و عقل، هسته‌ی مرکزی و کانون تمام فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تشکیل می‌دهد و دموکراسی به‌عنوان بهترین تضمین‌کننده‌ی حقوق فردی انسان‌ها در برابر اقتدار فرمان‌روایان و سلطه‌جویی صاحبان قدرت پذیرفته می‌شود. ۴۳ در انگلستان با «انقلاب باشکوه» (۱۶۸۸-۸۹م) - که به سرنگونی جیمز دوم انجامید - ۴۴ اعتقاد بر این که سلطنت یک «حق الهی» است، مردود شمرده شد و پارلمان بر شاه برتری یافت ۴۵ و اصول حکومت با رضایت مردم، انتخاب نماینده‌ی آنان و شیوه‌ی قانون‌گذاری به طریق مشروطه برقرار گردید. در آمریکا، انقلاب ۱۷۷۶م مبتنی بر اصول قرارداد اجتماعی و نیز قانون اساسی ایالات متحده در سال ۱۷۸۷م شکل گرفت. بنیان‌گذاران این قانون سعی نمودند با گسترش نظام نمایندگی نقش مردم را در جریانات حکومت برجسته و پررنگ نشان دهند. ۴۶

انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م) با شعار «آزادی، برادری، برابری» و صدور اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند پیروز شد. این امور تماماً در پی‌ریزی دموکراسی نوین نقش مهمی داشتند. انقلاب صنعتی و جنبش‌های طبقه‌ی کارگری بین سال‌های ۱۷۵۰-۱۸۵۰م در انگلستان نیز در گسترش دموکراسی و شتاباندن حرکت آن اثر به‌سزایی داشته است. این تحولات سیاسی و اجتماعی سبب گردید که تا سال ۱۸۵۰ بیشتر کشورهای غربی نهادهای دموکراسی را پذیرفتند؛ اما تا

دهه‌های نخستین قرن بیستم دموکراسی هنوز سیر تکاملی خود را می‌گذراند و موانعی مانند میزان ثروت و پرداخت مالیات و جنسیت (محرومیت زنان از حق انتخاب) گروه بزرگی از جمعیت را از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم نمود. در بریتانیای کبیر و ایالات متحده تا سال ۱۸۴۸ بیش از نیمی از جمعیت این دو کشور (زنان، رنگین‌پوستان و کارگران) از حق رأی محروم بودند و بردگی در ایالات متحده هنوز منسوخ نشده بود ۴۷ و در انگلیس طبقه‌ی کارگر تا سال ۱۸۶۷ و زنان تا ۱۹۱۸ حق رأی نداشتند. ۴۸

۳-۴- بُعد فکری و نظری لیبرال دموکراسی:

نظریه‌پردازان فراوانی نیز در گسترش بُعد فکری و نظری مفهوم دموکراسی تأثیرگذار بودند؛ از جمله فیلسوفانی که معتقد به حقوق طبیعی اند. ۴۹ این نظریه رویاروی نظریه‌ی مسیحی «قانون طبیعی» قرار دارد. براساس این عقیده‌ی مسیحی، انسان‌ها در قبال خداوند تکالیف دارند و کمتر حقوق آنان مطرح است؛ درحالی‌که نظریه‌ی حقوق طبیعی ۵۰ انسان‌ها را صاحب حق می‌داند که باید در جهت استیفای آن تلاش نمود؛ از جمله‌ی این حقوق حق زندگی، آزادی و برابری است. براساس این اندیشه حکومت بایستی بر پایه‌ی خواست و خرسندی و اراده‌ی عمومی و رضایت مردم باشد. ۵۱

از میان متفکران زیادی که افکارشان به عنوان خاستگاه دولت جدید و یک جامعه‌ی مدنی بنابر یک قرارداد اجتماعی نقش داشته است، نظریات سه تن برجستگی خاصی دارد. ۵۲

۳-۴-۱- توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸)

اندیشه‌های هابز تأثیر مهمی در تاسیس علم اجتماع داشت و دو کتاب «لویاتان» (Leviathan) و «درباره‌ی شهروندی» (De:cive) او نخستین بیانیه‌ی حاکمیت در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی انگلستان است که به تضعیف نظریه‌ی الهی خاستگاه دولت انجامید.

اندیشه‌های او متأثر از بدبختی‌های برخاسته از جنگ داخلی انگلستان در دهه‌ی ۱۶۴۰ است. او انسان را موجودی خودپرست و خودمحور معرفی می‌کند که دارای عقل انفعالی متأثر از اغراض نفسانی فعال و نیرومند است. جمله‌ی معروف «انسان گرگ انسان است» از جملات اوست. مجموعه‌ی این نگرش و آن اوضاع نابه‌سامان اجتماعی و داخلی انگلستان سبب شد که هابز به این نتیجه برسد که به منظور تأمین صلح و امنیت افراد جامعه باید براساس یک قرارداد اجتماعی، از حق طبیعی خود در اعمال اقتدار فردی چشم‌پوشند و آن را به یک شخص مقتدر واگذار نمایند.

به عقیده‌ی هابز، موارد سکوت قانون، یعنی بهره‌مندی انسان از آزادی، (با توجه به محدود بودن وظایف حکومت یا دولت در قرن هفدهم) عرصه‌ی گسترده‌ای از آزادی فرد در جامعه و مسائل اقتصادی را برای انسان فراهم می‌آورد. ۵۳

۴-۳-۲-جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)

جان لاک، فیلسوف انگلیسی و نویسنده کتاب معروف تفاهم بشری و رساله‌ای در باب حکومت مدنی است. وضع طبیعی انسان از منظر لاک از وضع طبیعی انسان در دیدگاه هابز متفاوت است؛ به گمان او انسان در وضع طبیعی در حالت جنگ دائمی یا ترس همیشگی زندگی نمی‌کند، بلکه در آن، انسان‌ها برابرند و آزادانه به هر آنچه با قانون طبیعت هم آهنگ است، عمل می‌کنند.

لاک نوشت: «وضع طبیعی قانونی دارد که بر آن حکومت می‌کند و همه‌ی افراد را موظف به رعایت آن می‌سازد. عقل که همان قانون طبیعت است به همه‌ی ابنای بشر که با آن به مصلحت می‌نشینند، می‌آموزد که همه برابر و مستقل هستند و هیچ کس نباید به زندگی و تندرستی، آزادی و اموال دیگری صدمه‌ای وارد کند» ۵۵. در مورد تأثیر افکار جان لاک بر اندیشه‌های سیاسی و حقوقی قرون اخیر گفته‌اند: «سپس لاک حدود اختیارات قوه‌ی قانون‌گذاری و اجرا و داوری را شرح می‌دهد و حقوقی را که برای مردم باید رعایت شود، بیان می‌کند که ما حاجت نداریم به شرح آن‌ها بپردازیم؛ زیرا تقریباً همان اصولی است که امروز در قوانین اساسی کشورهای که حکومت مشروطه دارند، مضبوط و مرعی می‌باشد» ۵۶.

۴-۳-۳-منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵)

او فیلسوف فرانسوی و نویسنده‌ی کتاب معروف روح القوانین است. اصل تفکیک قوا که تقریباً مورد قبول و اجماع حقوق‌دانان واقع شده و به عنوان پایه‌ی حقوق موضوعه‌ی کلاسیک در غرب مشروعیت یافته دست‌آورد منتسکیو، فیلسوف و متفکر قرن هجدهم فرانسه است؛ وی در کتاب پرآوازه‌ی خود، «روح القوانین» توانسته است نظریه‌ی خود را در زمینه‌ی حاکمیت سیاسی به طوری پروراند که هم در قرن هجدهم و هم در قرون بعدی اثرات انکارناپذیری در مشی فکری تدوین‌کنندگان قوانین اساسی مخصوصاً قانون اساسی (۱۷۸۷م) ایالات متحده‌ی آمریکا و قانون اساسی انقلابی فرانسه در سال (۱۷۹۱م) و «در نهایت در شکل دادن به رژیم‌های سیاسی غربی [به شکل دموکراسی جدید] بگذارد» ۵۸.

۴-۳-۴-ژان ژاک روسو (۱۷۱۲م)

او از نویسندگان برجسته‌ی قرن هجدهم فرانسه است و کتاب قرارداد اجتماعی خود را در سال (۱۷۶۲م) منتشر کرد که بعضی آن را انجیل آزادی خواهان می‌نامند. کتاب قرارداد اجتماعی روسو که مبانی حقوق اساسی فرد را در برابر دولت شرح می‌دهد پایه‌ی مفهوم جدید دولت را می‌گذارد. روسو در کتاب خود نشان داد مردم حکمران هستند و پایه و بنیاد دولت اراده‌ی آنان است، نه زور. تلاش او در راه قرار دادن حکومت بر پایه‌ی رضایت مردم الهام‌بخش جنبش‌های انقلابی برای کسب حقوق دموکراتیک در قرن نوزدهم شد. نظریه‌ی

او کوششی برای ساخت دولت بر بنیادهای اخلاقی و تبیین اقتدار چنین دولتی است. اندیشه‌های او جامعه‌ی مدنی فرانسه را در سال (۱۷۸۹م) تکان داد. ۶۰
از دیگر پیش‌تازان فکری دموکراسی در دنیای غرب می‌توان آلکسی دو توکویل، جان استوارت میل و ویلیام جیمز را نام برد که اندیشه‌های آنان زمینه‌ساز پیدایش دموکراسی در شکل جدید است.

۵- مردم‌سالاری در ایران

۵-۱- سه دوره‌ی اقتدار دین

در تاریخ ایران شاهد سه دوره‌ی اقتدار و یک پارچگی کشور بوده‌ایم که در هر سه دوره دین و مذهب نقش اساسی را داشته است: ۱- ساسانیان ۲- صفویه ۳- جمهوری اسلامی. ۶۱
در این قسمت بعد از بررسی مختصر نقش دین در دوران ساسانی و صفویه و رابطه آن با دموکراسی به ذکر مهم‌ترین حرکت‌های اصلاحی از خاستگاه دین بعد از دوره‌ی صفویه، در جهت استقرار ارزش‌های مردم‌سالاری دینی می‌پردازیم.

الف: در دوران حاکمیت ساسانیان، آئین زردشت یکی از عوامل مهم در حفظ یک پارچگی و تمامیت ارضی ایران در مقابل امپراتوری روم شرقی با گرایش‌های مسیحی از یک سو و مانویان و مزدکیان از طرف دیگر بود.

همه‌ی کسانی که زردشت را شخصیت حقیقی و تاریخی می‌دانند، اعتراف دارند که زردشت در جامعه‌ی خود اصلاحات اقتصادی و اعتقادی و اجتماعی به عمل آورد. مهم‌ترین اصلاحات در آئین زردشت به مسئله‌ی خدا و جهان و خلقت مربوط است. ۶۲
با این که دین زردشت یک مذهب الهی و اصلاحی است و زردشت، آئین مغان را که اساس آن بر دوگانه‌پرستی و اعتقاد به خدای خیر و خدای شر بود اصلاح نمود، متأسفانه در دوره‌ی ساسانیان دچار انحرافات اعتقادی گردید ۶۳ و مورد سوء استفاده‌ی حکمرانان ساسانی به منظور استحکام پایه‌های قدرت قرار گرفت.

آرتور کریستن سن در این مورد می‌گوید: «روحانیان زردشتی بسیار متعصب بودند و هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی‌کردند... و مدعی تسلط تام و مطلق بودند». ۶۴
در دوران ساسانیان جناح‌های فکری و دینی مخالف به شدت سرکوب می‌شدند که به ذکر دو نمونه‌ی آن می‌پردازیم.

مسعودی می‌نویسد:

«چون انوشیروان پادشاهی یافت، مزدک را کشت و هشتاد هزار کس از یارانش را نیز که بدو پیوست [آنان را نیز کشت] و این حادثه مابین حادر و نهروان عراق بود». ۶۵

مانی که در زمان شاپور اول (۲۴۲ ق.م.) می زیست به دلیل این که راه و آئینی خلاف اندیشه‌ی زرتشت اختیار کرده و به تبلیغ آن می پرداخت، به وسیله‌ی ساسانیان دستگیر شد و زنده زنده پوست کنده شد. ۶۶

در دوره‌ی ساسانیان نظام طبقاتی به شدت اعمال می شد و طبقات بسته در آن دوره حاکم بود. براساس این دیدگاه کسی از طبقه‌ی خود به طبقه‌ی دیگر نمی توانست ترقی کند؛ اگرچه گاهی استثنایی واقع می شد، بسیار نادر اتفاق می افتاد. ۶۷ تحصیل نیز مخصوص طبقات ممتاز بود؛ داستان ممانعت از درس خواندن فرزند کفشگر در شاهنامه نیز حاکی از غلبه‌ی همین اندیشه‌ی باطل است. ۶۸

مجموعه‌ی این شرایط سبب شده بود که در ایران قبل از اسلام با حاکمیت یافتن موروثی پادشاهان ساسانی با رویه‌ی عمدتاً استبدادی، کمتر شاهد مظاهر حاکمیت مردم، آزادی و عدالت در امور اجتماعی و سیاسی و دینی آن دوران باشیم؛ هرچند در مواردی نیز شاهد جلوه‌هایی از عدالت ورزی در آن دوران هستیم.

ب: پس از گسترش اسلام در ایران، بعد از ساسانیان تا دوره‌ی صفویه، حکومت مستقلی که به نام اسلام و دین حافظ تمامیت ایران باشد، وجود نداشته است. صفاریان، سامانیان، آل بویه ۶۹ و... هریک در بخشی از ایران حکومت می کرده‌اند؛ ولی همگی سرانجام مغلوب ترکان غزنوی و در نهایت تهاجم بنیان کن مغول‌ها بر جهان اسلام شدند که مدنیت را نابود کردند و تنها از ترس ستارگان و افلاک به منجمان احترام می گذاشتند؛ اما صفویه برای اولین بار پس از ساسانیان به اسم مذهب شیعه بر تمامیت ارضی ایران در مقابل دشمنان شرقی و غربی تأکید کردند.

دوره‌ی صفویه یکی از دوره‌های درخشان در تاریخ هنر و معماری و نسبتاً علم در ایران است. پایتخت صفویه در اصفهان، هنوز بناهای تاریخی بسیاری را از این عصر به یادگار دارد که از مفاخر علمی ایرانیان به شمار می رود. معماری، نقاشی، خوش نویسی و کاشی کاری از جمله هنرهای مهم این روزگار است.

علوم مذهبی نیز در این دوره مورد توجه بسیار بود؛ بزرگانی نظیر فیلسوف نامدار میرداماد و شاگردش، ملاصدرا، شیخ بهایی، علامه مجلسی و... با تألیف کتاب‌های متعدد خدمات علمی ارزنده‌ای به اسلام نمودند. در دوره‌ی صفویه از نظر جغرافیایی ایران به دو برابر اندازه‌ی فعلی گسترش یافت. در این دوران (۱۰۵۰-۱۱۰۲ ق.) با اقلیت‌های مذهبی، مسیحی، یهودی، زردشتی، هندوها و پیروان تمام ادیان و مذاهب، به جز اندک مواردی مانند دوران شاه حسین صفوی، با مدارا و مسالمت رفتار می شد. ۷۰ دولت صفویه توانسته بود از خاستگاه دین با تأمین امنیت داخلی و رویارویی با دشمنان خارجی و ایجاد رفاه نسبی عمومی از حمایت علما و نیروهای مذهبی و مردمی برخوردار باشد. ۷۱

جدای از خدمات علمی، فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی و آزادی نسبی در دوره صفویه، هنوز با مظاهر مردم‌سالاری و توسعه به معنای امروزی آن دارای فاصله‌ی زیادی بود. رشد اندیشه‌های اخباری‌گری که عمدتاً دارای گرایش‌ات خردستیز بودند در اواخر دوره صفویه، ۷۲ محدود کردن علوم مفید به علم فقه و اصول و اخلاق و تفسیر ۷۳ و سوءاستفاده‌های بعضی از حاکمان صفوی از قدرت تشیع که از پایگاه مردمی برخوردار بود- و رواج فساد و رشد استبداد، پس از شاه عباس کبیر (متوفای ۱۰۳۸) خصوصاً دوره‌ی سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷) و شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵) سبب دور شدن صفویه از ارزش‌های دینی ۷۴ و از دست دادن پایگاه مردمی و سرانجام سقوط صفویه در سال ۱۱۳۵ هـ.ق به دست افغان‌های مهاجم شد.

دوره‌ی سومی که دین در پی‌ریزی یک نظام سیاسی نقش اساسی داشته است، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ش می‌باشد که از آن به دوره‌ی آگاهی تعبیر کرده‌اند. ۷۵ در مورد این دوره در آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

۵-۲- جنبش‌های اصلاحی و اجتماعی بعد از انقراض صفویه:

در دو قرن اخیر شیعه در ایران، عراق و لبنان چه در عمل و چه در نظر از خود نشاط و تحرک سیاسی نشان داده که در تاریخ طولانی‌اش بی سابقه بوده است. ۷۶ این تحرک سیاسی و اجتماعی را می‌توان متأثر از عوامل زیر دانست:

۵-۲-۱- احیاء فقه اجتهادی به وسیله‌ی محمد باقر وحید بهبهانی (۱۱۱۶- ۱۲۰۸):

غلبه‌ی اندیشه‌های اصولی بر تفکر اخباری‌ها در قرن سیزدهم ۷۷ و پویایی و عمق بخشیدن به علم اصول به وسیله‌ی بزرگانی مانند میرزای قمی، شیخ مرتضی انصاری، ملا محمد کاظم خراسانی، محمدحسین نائینی، سبب تحولی در اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی شیعه گردید. تعلیم عمده‌ی مکتب اصولی، حجیت عقل، در تمیز دادن قواعد و احکام شریعت است. این ایمان به عقل، تعالیم دیگری را پیش می‌کشد؛ مانند ضرورت اجتهاد دینی و امتناع از قبول غیرنقادانه‌ی محتویات کتب اربعه‌ی حدیث- که توسط کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی تدوین شده- و منع تقلید از مجتهد میت برای حفظ پویایی اجتهاد.

«اخباری‌ها در این مسائل با اصولی‌ها اختلاف نظر داشتند؛ آنان استفاده از عقل و اجتهاد را در مسائل دینی جایز نمی‌دانستند و عقل و اجتهاد را تخطئه می‌کردند و به جای اجتهاد [فقط] جمع و تدوین اخبار و روایات ائمه را وظیفه‌ای واجب می‌دانستند؛ حال آن‌که اصولی‌ها برای ابتکارات فقهی زمینه‌ی وسیعی قائلند که ناشی از اعتقادشان به حجیت ظن در استنباط احکام شرعی است، در آن‌جا که تحصیل علم قطعی متعذر باشد. اصولی‌ها قائل به «اصالۃ الاباحه» در

امور هستند. در حالی که اخباری‌ها می‌گویند مادام که یک عمل بالصراحه از جانب شرع مجاز شمرده نشده باشد، بر ماست که از ارتکاب آن خودداری کنیم و با رعایت احتیاط از انجام گناه مصون بمانیم. ۷۸.

اصولی‌ها برای ابتکارات فقهی زمینه‌ی وسیعی قائلند. در مورد پی‌آمدهای سیاسی این اصول لازم نیست اطالهی کلام دهیم. تعالیم اصولی با قول به حجیت عقل و حق اجتهاد لامحاله ذهن شیعی را پذیرای تحولات اجتماعی می‌کند و نسبت به توانایی انسان در تنظیم امور اجتماعی ایجاد اطمینان می‌نماید. تصریح به منزلت مجتهدان به‌ویژه تأکید بر ضرورت پیروی از مجتهد زنده بی‌شک می‌تواند در زدودن فلج فکری حقوقی مؤثر باشد... به هر حال اخباری‌ها با منع دخالت عقل و تجویز تقلید همه‌جانبه [از ظواهر کتاب و سنت] به عنوان تنها شیوه‌ی آموختن احکام شرع، قیدی بر پای تحولات فکری می‌گذارند که آن تحولات اگر آزاد بود، می‌توانست احکام و نهادهای جدید در ساحت سیاسی سنتی را به نحو منسجمی پدید آورد. ۷۹.

۵-۲-۲- تمرکز یافتن قدرت مالی و معنوی شیعه در مجتهد اعلم

از زمان شیخ مرتضی انصاری (م. ۱۲۸۱ق.) که از برجسته‌ترین نوایغ فقهی شیعه است قدرت مالی و معنوی شیعه در مجتهد اعلم تمرکز یافت و این امر نهاد مرجعیت را نیرومند ساخت و قدرت تحول‌آفرینی و بسیج توده‌های مردمی را به آن داد. «این قدرت در پایان قرن نوزدهم (اوائل قرن چهاردهم) به حاج میرزا محمدحسن شیرازی امکان داد که نخستین جنبش مردمی را در تاریخ ایران علیه تعدیات اروپائیان در قضیه‌ی تنباکو، در سال (۱۳۰۷ - ۱۳۰۹ ق) رهبری کند». ۸۰.

۵-۲-۳- واکنش علمای شیعه در برابر دست‌اندازی‌های مداوم امپریالیسم به منافع ایران و استبداد داخلی، که به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

لغو قرارداد رویتر: حرکت اصلاحی مردمی عالم بزرگ تهران، حاج ملاعلی کنی (۱۲۸۹ق) به لغو امتیاز استعماری رویتر انجامید؛ ۸۱ اعطای امتیاز احداث راه آهن ایران به شخصی انگلیسی به نام «بارون رویتر» و مبارزه‌ی علما علیه آن در تاریخ ایران به نام واقعه‌ی رویتر معروف است.

نهیض تحریم (۱۳۰۷-۱۳۰۹): میرزا محمدحسن شیرازی با فتوای تاریخی خود در مورد تحریم تنباکو نهیض مردمی را رهبری کرد که به لغو امتیاز استعماری رژی انجامید. ۸۲.

نهیض عدالت‌خانه: نخستین جرقه‌های نهیض مشروطیت با تقاضای تشکیل عدالت‌خانه به منظور مهار قانونمندان‌هی قدرت شاه و درباریان ۸۳ با هدایت علمای بزرگی مانند میرزا حسن آشتیانی، شیخ فضل‌الله نوری و سید محمد طباطبایی رهبری شد.

جنبش مشروطیت (۱۳۲۳-۱۳۲۴ق): نهیضی فراگیر و گسترده بود که علمای آزادی‌خواه، مانند سید محمد طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی، محمدحسین نائینی و محمد کاظم خراسانی در

آن نقش مهمی را برعهده داشته‌اند؛ این نهضت خواستار یک نظام قانونمند و مشروطه برای حکومت، نوسازی سازمان‌های حقوقی و اداری، تشکیل مجلس قانون‌گذاری و تدوین قانون اساسی به منظور جلوگیری از خودکامگی‌های شاه بود. ۸۴ بعضی از معاصران جنبش مشروطیت را از جمله پیش‌گامان جنبش‌های خواهان دموکراسی در بین کشورهای آسیایی در قرن حاضر ذکر کرده‌اند. ۸۵

مدرس قهرمان آزادی (۱۳۰۰-۱۳۰۴ ش): وی مظهر مطالبات مردمی و مُنادی آزادی‌خواهی و اسلام‌خواهی در دوران خفقان رضاخان و استعمار انگلیس بود. سرانجام استعمار خارجی و استبداد داخلی که تاب مقاومت در برابر ندای حق‌طلبی مدرس را نداشتند- در تبعید، فریاد استقلال و آزادی‌خواهی او را با عمامه‌اش خاموش کردند و وی را غریبانه به شهادت رساندند. ۸۶

ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹): ملی شدن صنعت نفت به عنوان یک آرمان ملی، زمینه‌ای بود تا آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی (به عنوان رهبر روحانی نهضت) مردم را در حمایت از آن بارها به خیابان بکشانند و تظاهرات مردمی را سازمان دهد. این حمایت‌های مردمی به همراه تدابیر سیاسی دکتر محمد مصدق با طرح موازنه‌ی منفی در برابر موازنه‌ی مثبت که با فداکاری‌های فدائیان اسلام همراه بود، منجر به استقلال سیاسی ایران و قطع دست استعمار روس و انگلیس از منافع نفتی شد. ۸۷

۵-۲-۴- مقابله‌ی فکری علما با روشن‌فکران بهت‌زده:

روشن‌فکران غرب‌زده اصرار بر پذیرش تمام ظواهر زندگی غربی داشته‌اند؛ مردانی نظیر میرزا ملکم خان، فتحعلی آخوندزاده، تقی‌زاده، و ثوق‌الدوله که طرفدار غربی مآب شدن همه‌جانبه‌ی ایران بودند. ۸۸ تأکید بر تغییر خط و زبان و تقویم از فارسی به لاتین را داشتند. تقی‌زاده بر این باور بود که تنها راه پیشرفت ما این است که از فرق سر تا ناخن پا یک‌سره فرنگی شویم. میرزا ابوالحسن خان ایلچی از منورالفکرهای آن دوران آورده است:

«به اعتقاد خاطی محرّر این دفتر آن که اگر اهل ایران را فراغت حاصل شود و اقتباس از کار اهل انگلیز (انگلستان) نمایند، جمیع امور روزگار ایشان بر وفق صواب گردد.» ۸۹

آخوندزاده که درخواست خود را از دولت ایران در زمینه‌ی اصلاح خط بی‌نتیجه دید، طرح خود را به فؤادپاشا، صدراعظم و علی‌پاشا، وزیر خارجه‌ی ترکیه پیشنهاد کرد... برخی وی را مبتکر تغییر خط در ترکیه می‌دانند. ۹۰

این گرایش‌های غرب‌گرایانه به همراه استبداد حاکم در دوران قاجار سبب شد تا علما به منظور حفظ کیان ملی و حیثیت دینی و مبارزه با استبداد، عملاً وارد صحنه‌های سیاسی و اجتماعی ایران شوند و براساس مبانی اسلام سیاسی، به نظریه‌پردازی در زمینه‌ی آزادی، عدالت و جایگاه رأی و خواست مردم در جغرافیای سیاسی اسلام بپردازند.

۵-۳- جمع‌بندی کلی حرکت‌های اصلاحی در یک قرن و نیم اخیر در جهت تحقق مردم‌سالاری

بعد از بیان عوامل زمینه‌ساز حضور اندیشه‌ی سیاسی شیعه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی معاصر ایران، در یک دسته‌بندی کلی حرکت‌های اصلاحی سده‌های اخیر را در جهت تحقق ارزش‌های مردم‌سالار می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

۵-۳-۱- جناح متشکل از علما و مرجعیت شیعه که با الهام از مبانی انقلابی اسلام و مکتب تشیع، که مورد علاقه‌ی اکثریت مردم ایران بود، حرکت‌های اصلاحی را در جهت استقرار مبانی مردم‌سالاری دینی در ایران سازمان‌دهی نمودند؛

در رأس این حرکت از بزرگانی مانند میرزا محمدحسن شیرازی، ملاعلی کنی، میرزا حسن آشتیانی، سیدمحمد طباطبائی، سیدعبدالله بهبهانی، شیخ‌فضل‌الله نوری، محمدحسین نائینی، ملامحمد کاظم خراسانی، شیخ محمد خیابانی، سیدحسن مدرس، میرزا کوچک جنگلی، سیدابوالقاسم کاشانی و امام خمینی (ره) می‌توان نام برد؛

۵-۳-۲- جناح دوم روشنفکران غربی‌مآب و تجددخواهان که ایدئولوژی غربی و تفکر سیاسی اروپا را مظهر و الگوی حرکت سیاسی خود قرار داده بودند. اینان روشن‌فکرانی بودند که خواهان اصلاحاتی به شیوه غرب بودند.

مؤلف کتاب «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» می‌نویسد:

«یک کانون دیگر هم برای اشاعه‌ی آرمان‌های دموکراتیک در میان مردم وجود داشت. آثار متفکران غربی‌مآب آن دوره نظیر آخوندزاده، میرزا حسین خان مشیرالدوله معروف به سپهسالار، میرزا ملکم‌خان و طالبوف؛ ولی آنچه ما را در برآورد نفوذ چنین تجددخواهانی محتاط می‌گرداند، صرفاً ایدئولوژی غریب و متخذ از بیگانه‌ی آن‌ها نیست، بلکه سبک نگارش آن‌ها هم است؛ آثار اینان که شامل صورت فارسی شده‌ی بسیاری از اصطلاحات سیاسی اروپایی و کلمات و عبارات نوساخته بود، حکایت از خوب هضم نکردن مفاهیم غربی داشت که نمی‌توانست تأثیری همانند اعلامیه‌ی علما داشته باشد.» ۹۱

در تأیید این دیدگاه سخن برخی از معاصران را که با وجود تقدیر گاه‌به‌گاهش از نقش مثبتی که علما ایفا کرده‌اند، در مجموع فعالیت‌های علما را عامل مثبتی، خصوصاً در جریان مشروطیت، ارزیابی نمی‌کند نقل می‌کنیم: شعارهای این جناح (روشنفکران غرب زده) با همه‌ی جذابیت‌ها و تبلیغات احساسات برانگیز و فریبنده‌ای که به همراه داشت، نمی‌توانست تأثیری چون بیانیه‌ها و اعلامیه‌های جناح روحانیت داشته باشد؛ زیرا در این جناح، عنصر ترقی‌خواه تربیت یافته [غرب] معتقد به حکومت دموکراسی غربی بود؛ ۹۲

۵-۳-۳- روشن‌فکران مذهبی: این جناح که از قشر مذهبی تجددخواه تشکیل می‌یافت-

درصد بود اندیشه‌های دینی و فرهنگ سنتی را در پوشش شعارها و راه کارهای جدید و قالب‌های نو عرضه نماید. این گروه از رجالی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا تقی‌خان فراهانی، معروف به امیرکبیر و در این اواخر دکتر علی شریعتی (متوفای ۱۳۵۶ ش) تشکیل می‌شد. اینان درصد تلفیق فرهنگ سنتی اسلامی و اندیشه‌ی ترقی خواهانه‌ی غربی بودند و با این دیدگاه حرکت‌های اصلاح طلبانه‌ای را شروع کردند.

اصلاحات میرزاتقی‌خان امیرکبیر (۱۲۶۸-۱۲۶۵) در جهت مبارزه با مفسد سیاسی، بازسازی اقتصادی، ایجاد امنیت داخلی، تقویت دولت مرکزی، گسترش محاکم عرفی و هدایت محاکم شرعی، تأسیس مدارس به سبک جدید، تأسیس دارالترجمه، اعزام دانشجو به خارج ۹۳ و گسترش مطبوعات بود؛ ۹۴

سید جمال‌الدین اسدآبادی: (۱۳۵۴-۱۳۱۴ هـ.ق) تلاش‌های فراوان او جهت اتحاد مسلمانان به منظور نجات آنان از استعمار (خصوصاً استعمار انگلیس) و آگاهی دادن به توده‌های مسلمان از علل عقب ماندگی آنان از دنیای غرب با ذکر اسباب ترقی اروپائیان و تکیه بر خودباوری اسلامی در تاریخ ایران بسیار برجسته است. ۹۵

۶- مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران (دوره‌ی آگاهی)

حرکت‌های اصلاح طلبانه و نهضت‌های فکری در یک قرن و نیم اخیر از جمله زمینه‌های پیدایش سرآغازی نو در حاکمیت مردم‌سالاری دینی در ایران اسلامی شد و سرانجام صبح صادق دمید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بزرگ‌ترین انقلاب مردمی عصر حاضر به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید که می‌توان آن را شروع دوره‌ی آگاهی دینی، مردمی در جهان معاصر نامید. ۹۶

با پیروزی انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره)، عملاً ایران اسلامی پس از پشت سر گذاشتن استبداد حکومت پهلوی در حالی که با حضور اکثریت مردم ایران حمایت می‌شد. وارد دوران جدید سیاسی خود گردید. با پیروزی انقلاب، مردم ایران عملاً با شرکت در انتخابات متعدد و دخالت در تدبیر امور سیاسی، اجتماعی خود و تعیین مسئولان در تمام رده‌های حکومتی و تشکیل نهادهای انقلابی و شوراهای اسلامی جلوه‌های زیبایی از مردم‌سالاری دینی را به نمایش گذاشته‌اند. شاید در طول تاریخ ملت‌ها، انقلابی را نتوان یافت که از همان ابتدای پیروزی انقلاب، با وجود تمام مشکلات و چالش‌های سیاسی و توطئه‌های خارجی، مانند انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم آورده باشد. ۹۷ در طول سه دهه‌ای که از تاریخ آن می‌گذرد تقریباً در هر سال یک انتخابات وسیع مردمی داشته است

امام خمینی (ره) بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایشان، چه در اوایل نهضت و چه بعد از آن، بر مردمی بودن حکومت تأکید می‌کردند. به عنوان نمونه در تاریخ (۱۳۵۷/۸/۲۲) خبرنگار روزنامه فرانسوی «لوموند» از امام خمینی (ره) پرسید:

«حضرت عالی می‌فرماید که بایستی در ایران جمهوری اسلامی استقرار یابد و این برای ما فرانسوی‌ها چندان مفهوم نیست؛ زیرا جمهوری نمی‌تواند بر پایه‌ی مذهب باشد، نظر شما چیست؟ آیا جمهوری شما بر پایه‌ی سوسیالیسم است؟ مشروطیت است؟ دموکراتیک است؟ چگونه است؟»

امام در پاسخ فرمودند:

«اما جمهوری به همان معنایی که همه جا جمهوری است. این که ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکام که در ایران جاری می‌شود، این‌ها بر اسلام متکی است لیکن انتخاب با ملت است. طرز جمهوری همان جمهوری است که همه جا هست.» ۹۸

۶-۱- ورود واژه‌ی «مردم‌سالاری» به فرهنگ سیاسی ایران اسلامی:

هرچند از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی کشور در عمل به شیوه‌ی مردم‌سالاری اداره شده است، (با شرکت مردم در انتخابات متعدد، چرخش قدرت براساس رأی اکثریت، تشکیل پارلمان و وجود آزادی‌های مختلف و...) اما ورود لفظ «مردم‌سالاری» به فرهنگ سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، به تحولات سیاسی بعد از انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ برمی‌گردد. سید محمد خاتمی، در اعلان برنامه‌های خود برای دوره‌ی ریاست جمهوری، در خرداد ۱۳۷۶، از لفظ مردم‌سالاری استفاده نمودند ۹۹ و در همان سال معاون سیاسی وزیر کشور، حکومت ولایت فقیه را همان حکومت مردم‌سالاری ذکر می‌کند. ۱۰۰

اولین بار لفظ «مردم‌سالاری دینی» را حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای نشان دادن ویژگی سیاسی نظام جمهوری اسلامی بیان کردند. ایشان در مورد نو و جدید بودن «مردم‌سالاری دینی» فرمودند:

«مردم‌سالاری دینی حرف نو و جدیدی است که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به سوی خود جلب کرده است.» ۱۰۱

مقام معظم رهبری در توضیح مردم‌سالاری دینی می‌فرماید:

«بنده اصرار دارم که به جای تعبیر «دموکراسی» از تعبیر «مردم‌سالاری دینی» استفاده شود. تعبیر دموکراسی یک تعبیر غربی و وارداتی است؛ تعبیری که به صورت دقیق و همه‌جانبه جز با همان فرهنگ غلط دور از معنویت تطبیق نمی‌کند و خودشان هم نشان داده‌اند که این فرهنگ و این خواسته عملی هم نیست. شما مشکلات دموکراسی را در دنیا می‌بینید. اما در مردم‌سالاری دینی حاکمیت دین خدا با آراء مردم، با عقیده‌ی مردم، با ایمان مردم، با خواست مردم و با عواطف مردم پیوند می‌خورد.»

یک انسان همان‌طور که خود را فقط بنده‌ی خدا می‌داند و بس، «ایاک نَعْبُدُ وَاِیاکَ نَسْتَعینُ»،

همان‌طور هم از خدای خود می‌خواهد و آرمان خود قرار می‌دهد که راه صالحان را ببیناید، «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، پیروی از صالحان، پیروی از بندگان برجسته‌ی خدا، بیعت مؤمنین و مؤمنات با پیغمبر یا هرکسی که زمام جامعه‌ی اسلامی را در دست می‌گیرد. بیعت با ایمان، بیعت با دین و بیعت با معنویت است. تسلیم در مقابل یک شخص نیست، محکوم شدن به اراده‌ی فردی یک انسان نیست، ما این را در اسلام نداریم؛ اسلام با این مقابله می‌کند.» ۱۰۲

ایشان در جای دیگر فرمودند:

مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست بلکه یک حقیقت واحد در جوهره‌ی نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود. ضمن آن که تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست. ۱۰۳

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ به هنگام تنفيذ حکم نهمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران از لفظ مردم‌سالاری اسلامی به جای مردم‌سالاری دینی استفاده نمودند. ۱۰۴ امروزه در محافل مختلف سیاسی - اجتماعی، این اصطلاح برای نشان دادن ویژگی مردمی انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری:

دموکراسی در تاریخ پر فراز و نشیب خود از تحولات اجتماعی و سیاسی گوناگون تاثیر پذیرفته است و رویدادهای فکری، اجتماعی و تاریخی زیادی در پیدایش، رشد و تکامل دموکراسی مدرن و در قالب نظام‌های پارلمانی نقش آفریده‌اند. عوامل و زمینه‌های این تحول در دنیای غرب و ایران متفاوت است.

در غرب ظهور استبداد دینی در سطح وسیع، فقدان حاکمیت پاسخ‌گو، وجود تبعیض و فساد در نظام حکومتی کلیسا در قرون وسطی منجر به نهضت اصلاح دینی (رفورماسیون) به رهبری مارتین (۱۴۸۳-۱۵۴۶م) شد. با توجه به تاکید پروتستانیسیم بر فردگرایی، تساهل و آزادی از اولین زمینه‌های پیدایش دموکراسی در دنیای جدید غرب است. با رشد اندیشه‌های حقوق طبیعی در برابر حقوق فطری مسیحی در قرن هفدهم میلادی با تاکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، پذیرش حق حاکمیت افراد به سرعت در اروپا گسترش یافت. ظهور دو واقعه مهم تاریخی در قرن هجدهم میلادی پایه‌های مردم‌سالاری را در عصر جدید به گونه‌ای متقن و جهان‌شمول استوار ساخت. نخست در آمریکا انقلاب در سال (۱۷۷۶م) مبتنی بر اصول قرار داد اجتماعی و نیز قانون اساسی ایالات متحده در سال (۱۷۸۷م) شکل گرفت. دوم انقلاب کبیر فرانسه در سال (۱۷۸۹م) با

شعار «برادری، برابری و آزادی» و صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند پیروز شد. با ظهور اندیشه‌های متفکران قرن هفدهم و هجدهم میلادی مانند توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۲۴م) و انتشار کتاب معروف او به نام «لویاتان» و جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴م) با کتاب «رساله ای در باب حکومت مدنی» و ژان ژاک روسو

(۱۷۶۸-۱۸۱۲م) با کتاب «قرارداد اجتماعی» و منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م) با کتاب روح القوانین و دائرةالمعارف نویسانی چون دیدرو و دالامبر، زمینه‌های ظهور دموکراسی مدرن در دنیای غرب فراهم آمد.

در ایران نیز در یکصد سال اخیر شاهد حرکت‌های اصلاح طلبانه اجتماعی و نهضت‌های فکری به رهبری علمای دینی و روشنفکران عمدتاً مذهبی در جهت تحقق مردم سالاری هستیم. از جمله مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش مردم سالاری در ایران از نهضت تحریم تنباکو (۱۳۰۷-۱۳۰۹ق) به رهبری میزا محمد حسن شیرازی و آقا نجفی، نهضت عدالت خانه (۱۳۲۳ق) به رهبری میزا حسن آشتیانی و شیخ فضل الله نوری، جنبش مشروطیت (۱۳۲۳-۱۳۲۴ق) به رهبری سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و محمدحسین نائینی، ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ش) به رهبری دکتر مصدق و آیت الله کاشانی و حرکت‌های اصلاح طلبانه به رهبری سید جمال الدین حسینی (اسدآبادی) (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) و دوران صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸ق) را نام برد.

افزون بر حرکت‌های اصلاحی که ذکر شد احیاء فقه اجتهادی به وسیله محمد باقر وحید بهبهانی و مقابله با جمود اخباریگری حاکم بر قرن سیزدهم هجری، تمرکز یافتن قدرت مالی و معنوی شیعه در مجتهد اعلم و تبیین زوایای حقوق مردم و وظایف حکومت بوسیله آیت الله محمد حسین نائینی در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز مردم سالاری در ایران است. سرانجام صبح صادق دمید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۶ بزرگ‌ترین انقلاب مردمی عصر حاضر به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید که می‌توان آن را شروع دوره ی آگاهی مردم سالاری در جهان معاصر نامید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۲۴- نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ج ۲، ۱۳۷۴، ص ۲۸۸.
 ۲۵- صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۴۵۹، ۱۳۵۸/۱۰/۷.
 ۲۶- صحیفه‌ی نور، ۱۳۰/۱۱.
 ۲۷- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدراء، ۱۳۷۸، ص ۶۶-۶۵.
 ۲۸- اصولاً مبنای دموکراسی همان‌گونه که معنای لغوی آن نیز بر آن گواهی می‌دهد یعنی حکومت خواست و اراده مردم، حالا مردم اراده‌ی خود را در قالب اندیشه‌های لیبرالیسم و یا سوسیالیسم و یا اسلام اعمال می‌نمایند.
 ۲۹- در مقابل این دیدگاه عده‌ای نیز بر این باورند که اندیشه‌ی دینی، مردم‌سالاری را برنمی‌تابد و به جای واژه‌ی مردم‌سالاری دینی از واژه‌ی دین‌سالاری مردمی استفاده می‌کنند.
- 30- Representation
- ۳۱- دموکراسی در معنای نوین آن تنها محدود به شرکت شهروندان در امور عمومی نمی‌شود. بلکه بر آزادی افراد در کلیه‌ی عرصه‌ها، برابری افراد در برابر قانون، حاکمیت اکثریت در قالب نظام نمایندگی و چرخش قدرت براساس خواست اکثریت و حق نظارت عمومی تأکید داشت.
 ۳۲- Agora- میدان عمومی در یونان قدیم که مجالس مردمی در آن تشکیل می‌شد.
 ۳۳- Forum- میدانی واقع در رم که مردم برای مذاکره در مسائل سیاسی گرد می‌آمدند.
 ۳۴- ماله، آلبر، تاریخ ملل شرق و یونان، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۳.
 ۳۵- آریلاستر، همان، ص ۳۵.
 ۳۶- آریلاستر، همان، ص ۴۵.
 ۳۷- مدرنیته (Modernity) ر.ک. بشیریه، حسین، دولت عقل، تهران، علم نوین، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳، ۲۹۹ و پورمهدی، براتعلی، لیبرالیسم، انجمن معارف اسلامی (قم)، ۱۳۸۱ (ص ۱۴ و ۱۳).
 ۳۸- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش، ج اول، ص ۳۰.
 ۳۹- لویاتان (Leviathan) در تورات نام تمساحی بزرگ است که بر روی خاک نظیر او نیست بر هر چیز بلند نظر می‌افکند و بر جمیع حیوانات سرکش پادشاه است. هابز از این تمثیل نتیجه می‌گیرد غرور و بلندپروازی در برابر حاکم برخلاف واقع‌بینی است و مرد خردمند برای حفظ خود از حکومتی که به هیبت و صولت لویاتان باشد باید از او اطاعت کند. به عقیده‌ی هابز دولت و حکومت باید بسیار مقتدر باشد. عبدالرحمان، عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۱۹۰.
 ۴۰- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۷۵۷.
- 41 -Renaissance
 42 -Omanism
- ۴۳- بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول، ص ۴۴
 ۴۴- انقلاب باشکوه «Glorious Revolution» در تاریخ

I- Democracy

- ۲- کوهن کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۱.
 ۳- همان.
 ۴- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه‌ی دهخدا، تحت مدخل دموکراسی
 5- A System Of Government Where The People Choose Their Leader By Voting.(Oxford Dictionary)
 ۶- آشوری، داریوش، دانش‌نامه سیاسی، تهران، مروارید، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷.
 ۷- آریلاستر، آنتونی، دموکراسی، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، انتشارات آشتیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵.
 8- Richard.M. Ketcha· What is Democracy? Dat-tom Co· NewYork· 1995· p. 38
 ۹- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۹۶.
 ۱۰- آقابخی، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۰
 ۱۱- بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱.
 ۱۲- آریلاستر، آنتونی، همان، ص ۱۴.
 ۱۳- هلد، دیوید، مدل‌های دموکراسی، عباس مخبر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۸، ص ۴۰۵.
 ۱۴- نک کوهن، کارل، همان، ص ۲۷.
 ۱۵- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ذیل ماده‌ی دین
 ۱۶- معین، محمد، لغت‌نامه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۹۷.
 ۱۷- خسرو پناه، عبدالحسین، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه، قم، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸
 ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، تهران، انتشارات کعبه، بی‌تا، ص ۳.
 ۱۹- بعضی در تأیید چنین دیدگاهی گفته‌اند: پیام انبیاء این است که «از دنیا بپزدازید نه این که به دنیا بپزدازید» ولی به نظر می‌رسد در این عبارت مغالطه‌ای صورت گرفته است. عبارت «از دنیا بپزدازید» به معنای این است که به دنیا دل نبندید نه این که برای دنیا برنامه نداشته و تلاش نکنید.
 ۲۰- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱.
 ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دارالتقلین، بی‌تا، ۱۹۴/۲.
 ۲۲- این سه نظریه با بیانی دیگر در مجله‌ی حکومت اسلامی، شماره‌ی سوم، سال هشتم به قلم محمد تقی مصباح یزدی آمده است.
 ۲۳- نائینی، آیت‌الله میرزا محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق و مقدمه سید محمود طالقانی، بی‌جا، ۱۳۳۴، ص ۵۳.

مبادی اخلاقی معنوی به سوی اعمال و تشریفات ظاهری رسمی و تطهیرات معمولی یکی از خصائص نمایان تاریخ تحول دین زرتشت است.

۶۴- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، کتابخانه‌ی ابن سینا، تهران، ص ۲۹۰.

۶۵- مسعودی، مروج الذهب، انتشارات علمی، چاپ ششم، ۱۳۷۸، جلد اول، ص ۲۵۸.

۶۶- آل اسحاق، محمد، مذاهب و ادیان، ناشر مؤلف، ۱۳۵۷، ش، جلد اول، ص ۱۶۶.

۶۷- کریستن سن، همان، صص ۳۴۳ - ۳۴۶.

۶۸- مطهری، همان، ص ۲۴۷.

۶۹- بعضی از مورخان حکومت آل بویه را دوره‌ی احیای فرهنگی و انسان‌گرایی و رنسانس اسلامی نامیده‌اند. بنگرید به جوئل ل. کرمو، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۵ و کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، آدم متز، ترجمه اصغر ذکاوتی قراگزلو، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

۷۰- نک. پیکولوسکایا، ویکتور وونا، نینا، تاریخ ایران (از دوران باستان تا سده‌ی هجدهم میلادی)، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۵۵۲.

۷۱- بنگرید به عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، امیرکبیر، ج ۲، تهران، ص ۱۰۴.

۷۲- حانزی، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویی‌ی تمدن بورژوازی غرب، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، ش، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۷۳- روزبهانی خنجی اصفهانی، فضل ا...، سلوک الملوک، تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۹۷.

۷۴- شیعیان صفوی در ازای عدالت و اخلاص سلطان، تعهد کرده بودند که قدرت او را به عنوان قدرت مشروع بشناسند و از دستورهای او اطاعت کنند. ولی با انحرافات مکرر سلاطین از موازین شرع این مصالحه اعتبار خود را از دست داد و شیعیان دوباره موضع مخالف خود را در برابر حکومت حفظ کردند و به مبارزات منفی و مثبت در برابر سلاطین روی آوردند. در اواخر عصر قاجار، کار بدان‌جا کشید که به قول نائینی: سلطان عادل مانند کبریت احمر و عنقا نایاب شد. بنگرید به: عنایت حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰، ش، ص ۲۹۷.

۷۵- منصوری، رضا، ایران ۱۴۲۷، ص ۵۱.

۷۶- عنایت، همان، ص ۲۷۷.

۷۷- به عقیده‌ی اخباریون که استرآبادی شارح مکتب آن‌هاست و نیز ظاهریون که ابن حزم اندلسی مبین نظرات آن‌هاست قوانین مورد نیاز بشر تا روز انقراض نسل آدمی در کتاب و سنت بیان شده است و «ما لایض فیه» و مورد سکوت قانون وجود ندارد. بنگرید به استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدینه، انتشارات دارالنشر لاهل البیت، الفصل السابع، صص ۱۵۰-۱۵۳ و عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۲، ص ۲۲۳.

انگلستان عنوان حوادث سال‌های (۱۶۸۹-۱۶۸۸م) است که منتج به برکناری جیمز دوم گردید. ر.ک حلبی، علی اصغر، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، ص ۱۸۶.

۴۵- آشوری، همان، ص ۱۶۰.

۴۶- قاضی، ابوالفضل، همان، ص ۷۵۸.

۴۷- آریلاستر، همان، ص ۱۲.

۴۸- آشوری، همان، ص ۱۶۰.

49 - Natural Rights

۵۰- حقوق طبیعی یا فطری که در برابر حقوق موضوعه به کار می‌رود، اشاره به حقوقی دارد که انسان‌ها پیش از تشکیل دولت و در وضع طبیعی از آن برخوردار بوده‌اند و عقل بشری هیچ واسطه‌ای به این حقوق حکم می‌کند و اختلاف زمان و مکان به آن خلل نمی‌رساند. نک. کاتوزیان، ناصر، فلسفه‌ی حقوق، صص ۲۴-۳۰.

۵۱- کاتوزیان، ناصر، فلسفه‌ی حقوق، صص ۳۰-۳۱؛ و نیز بیات، عبدالرسول، همان، صص ۲۷۳-۲۷۲.

۵۲- قاضی، همان، ص ۶۳۳.

۵۳- نک عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۰-۱۸۳.

John lock 54-

۵۵- جوئز، و.ت. خاوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۲۱۴.

۵۶- فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، نشر البرز، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۵۹.

57- Charles de Montesquieu.

۵۸- قاضی، همان، صص ۳۳۹-۳۳۴.

59- Jean-Jacques Rousseau

۶۰- نک. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه‌ی غلامحسین زیرک‌زاده، چاپ ششم، تهران، شرکت سهامی

چاپ، و عبدالرحمان عالم، بنیادهای علم سیاست، صص ۲۰۴

- ۲۰۵.

۶۱- منصوری، رضا، ایران ۱۴۲۷: عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی، انتشارات طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۷، ش، ص ۲۱.

۶۲- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، صدرا، صص ۱۸۳ و ۱۸۶.

۶۳- جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، صص ۴۷۰ و ۴۷۳. در این مورد می‌گوید: در آئین زرتشت اعتقاد به مبدأ شر و عامل

تبهکاری و خطا، در طول زمان تحولی حاصل کرده و رفته رفته دین زرتشت را به صورت یک آئین دوگانه‌پرستی اخلاقی

در آورد و در برابر فرشتگان پاک‌نیت نهاد، روانهای پلید و

زیانکار، بیش از آن‌چه که زرتشت گفته بود، دارای هویت و شخصیت گشتند. انگرامینیو (روح پلید) را گرچه زرتشت به

تلخی یاد می‌کند، مع ذلک او را حریف و خصم هم‌تراز اهورا مزدا، در اول و به صورت مستقل، قرار نداده است، ولی در

طی زمان انگرامینیو، ابلیس نیرومند گردیده است که در برابر اهورامزدا مقاومت می‌کند و آن هر دو به صورت دو عامل

متساوی با یکدیگر به ستیز پرداختند. انتقال مذهب زرتشت از

- تهران، پیام، ۱۳۵۵، ص ۲۲۸.
- ۹۳- بعضی دوران امیر کبیر را (جدای از خدمات مثبت او) سرآغاز جریان غرب‌گرایی و سپس غرب‌زدگی در ایران می‌دانند. نک: حصاری، علی‌اکبر، تاریخ فرهنگی - سیاسی معاصر ایران، قم، نصاب، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴.
- ۹۴- نک: هاشمی رفسنجانی، اکبر، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲؛ و نیز آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، با مقدمه‌ی محمود محمود، بنگاه آذر، تهران، ۱۳۲۳، صص ۸۵-۲۵۵
- ۹۵- نک به: نقش اسدآبادی، سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، محیط طباطبایی با مقدمه‌ی سید هادی خسروشاهی، قم، دارالتبلیغ، ۱۳۵۰.
- ۹۶- منصوری، رضا، ایران ۱۴۲۷، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۱.
- ۹۷- با تمام پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و برگزاری انتخابات متعدد به مناسبت‌های مختلف عده‌ای از سر عناد با آن مخالفت می‌ورزند. یکی از مخالفان جمهوری اسلامی صراحتاً می‌گوید: منظور من از دموکراسی آن است که «جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی نباشد». بنگرید به ایرانیان خارج از کشور، ج ۲: سنت و تجدد، بولتن فرهنگی معاونت امور بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲۷.
- ۹۸- صحیفه‌ی امام، ج ۴، ص ۴۷۹.
- ۹۹- آقای سید محمد خاتمی در تاریخ ۱۳۷۵/۵/۳۰، یکسال قبل از ریاست جمهوری، در مقاله‌ای تحت عنوان دموکراسی و فرهنگ نوشتند: «دموکراسی که پیشینه‌ای دراز دارد در دوره‌ی متأخر تاریخ زبان فارسی از جمله به مردم‌سالاری و حکومت مردم بر مردم برگردانده شده است. رک روزنامه همشهری، ۱۳۷۵/۵/۳۰، ش ۱۰۲۱.
- ۱۰۰- روزنامه‌ی همشهری، ۱۳۷۶/۱۱/۳۰، شماره‌ی ۱۴۸۷.
- ۱۰۱- روزنامه‌ی اطلاعات، ۹ شهریور ۱۳۷۹.
- ۱۰۲- سخنان مقام معظم رهبری - حدیث شکوفایی، ظفر، قم، ۱۳۸۱، ص ۷۷.
- ۱۰۳- دفتر نشر مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، www.khameni.ir، ۱۳/۱۰/۱۳۷۹.
- ۱۰۴- روزنامه‌ی جام جم، ۱۳/۵/۱۳۸۴، سال ششم، شماره‌ی ۱۴۹۷
- ۷۸- خوانساری، سیدمحمدباقر، روضات‌الجئات، تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۵۶، صص ۱۹۷-۲۰۷.
- ۷۹- عنایت، همان، ص ۲۸۸
- ۸۰- پیشین، ص ۲۷۹.
- ۸۱- تیموری، ابراهیم، نک: عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، تهران، ۱۳۳۲، صص ۱۲۶-۱۳۴
- ۸۲- نک به تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو، شیخ حسن اصفهانی کربلایی، به کوشش رسول جعفریان، قم، الهادی، ۱۳۷۷ ش.
- ۸۳- مهار «قانونمندان» شاه و دولت عین‌الدوله از جمله انگیزه‌های اصلی مؤسسان عدالت‌خانه بود؛ سید محمد طباطبایی، از رهبران جنبش در این مورد گفت: «ما عدالت‌خانه می‌خواهیم... ما اجرای قانون اسلام را می‌خواهیم که در آن مجلس، شاه و گدا در حدود قانون مساوی باشند. نک: تاریخ مشروطه‌ی ایران، احمد کسروی، ج ۵، امیرکبیر، ۱۳۴۰، صص ۹۰-۸۹ و ۸۶-۸۵؛ و هم چنین واقعه‌ی معروف فلک شدن سیدهاشم قندی، تاجر معروف تهران به دست علاء‌الدوله، حاکم خسوت‌طلب تهران و اعتراض علما به این امر و پناهنده شدن آنان به حرم حضرت عبدالعظیم، زمینه‌های پیدایش حرکتی در صدر مشروطه شد که به نهضت عدالت‌خانه معروف شد. بنگرید به اندیشه‌های سبزو، زندگی سرخ. علی ابوالحسنی (منذر)، تهران، عبرت، ۱۳۸۰، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ و حلی علی اصغر تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر تهران بیهقی ۱۳۷۱ چاپ اول ص ۷۰
- ۸۴- عنایت، همان، ص ۲۸۲.
- ۸۵- آشوری، همان، ص ۱۶۰.
- ۸۶- بنگرید به مدرس قهرمان آزادی، مکی، حسین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، ج ۱.
- ۸۷- مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر، انتشارات جامعه‌ی مدرسین قم، ج ۱، صص ۳۸۲-۳۴۰.
- ۸۸- عنایت، همان، ص ۲۸۵.
- ۸۹- ایلچی، میرزا ابوالحسن خان، حیرت‌السیف یا حیرت‌نامه به کوشش محمدحسن مرسل‌وند، رسا، تهران، ۱۳۶۴، ش ۲۱۰.
- ۹۰- بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر فرزانه (تهران)، ۱۳۷۵، ص ۸۱
- ۹۱- عنایت، حمید، همان، ص ۲۸۴.
- ۹۲- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ج ۱،